



امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - روش‌نعلی شکاری، سید مصطفی میلانی
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم موسی زاده،
محمد صالحی

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - محمدعلی حاجی ده‌آبادی، روح‌الله شمشیری
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با
تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب،
نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تأکید بر پناه‌جویان زیست‌محیطی - مهناز خرسندی، عسکر جلالیان
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک
احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت
تسلیحات نظامی متعارف - پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - مریم شعبان
اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - مصطفی فضائی، آرش ملک
جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی -
محمد ستایش‌پور، پرینان شفانی

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی
اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - زهرا وهبی، آرش رزمی

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم‌انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری
قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا،
ندا حقیقی

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - محمدصادق داریوند
میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم



The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights

اقدامات شرکتهای خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین المللی

محمد ستایش پور

Mohammad Setayesh Pur

Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran

استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
mohammadsetayeshpur@yahoo.com
http://orcid.org/0000-0001-9647-9391

Parnian Shafae

Master of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author)

پرنیان شفاعی
کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
shafae.parnian@yahoo.com

Abstract

The use of chemical weapons has a special place among the crimes of Saddam Hussein's regime due to the extensive damage it caused to the victims. The relentless and repeated use of chemical weapons by the Baath regime in the 1980s is an international crime that will never be wiped out from the memory of history. There are still many chemical victims who are struggling with death as a result of the crimes committed by the Baath regime. In this regard, we should never neglect the actions of governments and individuals who have played a role in the chemical weapons of the Baath regime. In addition, it should not be forgotten that there is a close relationship between the aggressive act of the Baath regime in the military attack to The Islamic Republic of Iran and the use of chemical weapons by this regime. In fact, the lack of proper reaction of the Security Council to the Baath regime's military aggression against the Islamic Republic of Iran has played an undeniable role in persuading other individuals and governments to chemically equip this regime and incite it to use such deadly weapons. According to international conventions and customs, there is no doubt about the prohibition of the use of chemical weapons in the 1980s. For this purpose, either it must be proven that the private company was trying to exercise government authority or it must be proven that the company has acted under the control and by the order of the relevant. In addition to these cases, the commitment of governments to guarantee human rights rules makes governments responsible for the actions of private companies.

Keywords: War Crimes, International Responsibility, Chemical Weapons, Holy Defense.

چکیده

کاربرد سلاح‌های شیمیایی به واسطه آسیب‌های گسترده‌ای که در قربانیان ایجاد کرده، در میان جنایات رژیم صدام حسین، جایگاه خاصی دارد. استفاده بی‌محابا و مکرر رژیم بعث از سلاح‌های شیمیایی در دهه ۱۹۸۰ جنایتی بین‌المللی است که هیچ‌گاه از خاطره تاریخ محو نخواهد شد. هنوز مصدومان شیمیایی زیادی وجود دارند که در اثر جنایات ارتكابی رژیم بعث با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. در این باره، هیچ‌گاه نباید از اقدامات دولت‌ها و اشخاصی که به نحوی از انحاء در تسلیح شیمیایی رژیم بعث نقش ایفاء کرده‌اند غافل شد. علاوه بر این نباید از یاد برد که میان نفس عمل تجاوزکارانه رژیم بعث در حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران و استفاده این رژیم از سلاح‌های شیمیایی رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. در واقع، عدم واکنش مناسب شورای امنیت در قبال تجاوز نظامی رژیم بعث به جمهوری اسلامی ایران، نقش انکارناپذیری در ترغیب اشخاص و دولت‌های دیگر در تجهیز شیمیایی این رژیم و تحریک آن به استفاده از چنین سلاح‌های مرگباری را داشته است. به موجب معاهدات و عرف بین‌المللی، تردیدی در خصوص ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی در دهه ۱۹۸۰ میلادی وجود ندارد. به موجب حقوق بین‌الملل با تحقق مجموعه‌ای از شرایط، پوشش شرکی کنار گذاشته می‌شود و زمینه طرح مسئولیت یکی از کاربردهای خرق حجاب شرکی در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی مجال بروز پیدا می‌کند. به این منظور یا باید اثبات گردد که شرکت خصوصی مبادرت به اعمال اقتدارات دولتی می‌کرده است یا باید ثابت شود که شرکت تحت کنترل و به دستور دولت مربوطه عمل نموده است. افزون بر این موارد، تعهد دولت‌ها به تضمین قواعد حقوق بشری موجب آن می‌شود که دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی مسئول شناخته شوند.

واژگان کلیدی: جنایات جنگی، مسئولیت بین‌المللی، تسلیحات شیمیایی، دفاع مقدس.

Received: 2022/08/09 - Review: 2022/10/19 - Accepted: 2022/11/17

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

ارجاع:

ستایش پور، محمد؛ شفائی، پرینان؛ (۱۴۰۱)، اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY

COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی طی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی برای اولین بار در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی و گازهای دیگر و استفاده از شیوه‌های میکروبی در جنگ به رسمیت شناخته شد؛ معاهده‌هایی که هر دو دولت ایران و عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی به آن پیوسته بودند. معاهدات حقوق بشردوستانه نظیر پروتکل ژنو ۱۹۲۵ معاهداتی بین‌الدولی هستند که دولت‌ها را در برابر یکدیگر متعهد می‌نمایند. در نتیجه، حقوق و تکالیف مندرج در این دست از معاهدات در وهله اول متوجه دولت‌های طرف معاهده است (قربان نیا، ۱۳۹۰، ۳۲۳). عضو معاهده در برابر دولت دیگر عضو از رعایت تعهدات مندرج سر باز زند، مرتکب تخلف بین‌المللی شده است و دولت زیان دیده می‌تواند علیه دولت متخلف اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی در مراجع بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری بکند. بر این اساس، دولت ایران می‌تواند علیه دولت عراق اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی کند و با اثبات ارکان مسئولیت، خواهان جبران خسارات وارده بر این کشور بشود که بخش عمده‌ای از آن، مربوط به نظامیان و غیرنظامیان این کشور است. بسیاری از حقوقدانان بر این عقیده هستند که معاهدات حقوق بشردوستانه، حقهایی با ماهیت دوگانه اعطاء می‌نمایند. این حقه‌ها، هم نسبت به افراد حمایت شده و هم نسبت به دولتی که آن‌ها تابع آن هستند تضمین می‌شود (قربان نیا، ۱۳۹۰، ۴۳۲).

در نتیجه تنها دولت متبوع قربانیان تابع آن هستند، بلکه خود قربانیان نیز جهت پیگیری حقوق خود می‌توانند اقدام نمایند و از طریق مراجع ملی پیگیر جبران حقوق از دست رفته خود شوند. پس اگر دولت

متبوع آن‌ها در حمایت از اتباع خود کوتاهی کند، قربانیان می‌توانند از طریق محاکم ملی دولت‌های ثالث جهت جبران این حقوق قدم بردارند. نکته مهم‌تر این که کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان، مصداق جنایات جنگی است. در نتیجه نه تنها بحث مسئولیت حقوقی دولت، بلکه مهم‌تر از آن، بحث مسئولیت کیفری عاملان این جنایات نیز مطرح است (سبحانی، ۱۳۹۵، ۱۳۷).

می‌توان مدعی شد که یکی از سیاه‌ترین اوراق گاه شمار این جنگ، استفاده از تسلیحات ممنوعه شیمیایی از سوی عراق است، چرا که حتی سال‌ها پس از جنگ، هنوز هم درد و رنج ناشی از استنشاق مواد شیمیایی، کالبد رنجور مصدومین شیمیایی و خانواده ایشان را هدف قرار می‌دهد و این خود لزوم توجه جدی به احقاق حق مصدومین شیمیایی در صحنه بین‌المللی را بیش از پیش هویدا می‌سازد. از آن جا که این قبیل اقدامات، مسئولیت ناقضان را به همراه خواهد داشت، طرح و پیگیری مسئولیت مرتکبان، جدی و البته حساس می‌نماید. با این حال، باید توجه داشت که این مسئولیت در دو قالب مسئولیت کیفری فردی ناشی از اقدامات مرتکبین و مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال نقض تعهدات بین‌المللی دولت، قابل تفکیک است (زمانی، ۱۳۹۵، ۱۰).

به رغم آن که ممنوعیت استفاده یا تهدید به کاربرد زور در روابط بین‌المللی (بند چهارم ماده منشور ملل متحد) نمونه اعلاى قاعده آمره حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود و فلسفه وجود سازمان ملل متحد و وظیفه اصلی رکن اجرایی آن (شورای امنیت) حفظ صلح و امنیت جهانی و مقابله با هرگونه تهدید صلح، نقض صلح و اعمال تجاوزکارانه می‌باشد اما وقوع جنگ‌های مسلحانه واقعیت عصر حاضر می‌باشد. بر همین اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در قالب اسناد بین‌المللی مختلف و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی تجلی یافته است از جمله کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها را ممنوع ساخته است، سلاح‌هایی که ساخت و استفاده از آن‌ها به لحاظ فنی و اقتصادی چندان سخت و دشوار نیست اما با ایجاد درد و رنج زاید و غیرضروری قربانی را زجرکش می‌نمایند و به لحاظ قلمرو، آثار و اهداف مورد حمله نیز غیرقابل کنترل می‌باشند (زمانی، ۱۳۸۶، ۳۱۴).

۱- برنامه تسلیحاتی عراق و کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران

تلاش عراق برای تهیه و تولید سلاح‌های شیمیایی به موازات اقدام برای دستیابی به سلاح اتمی از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد. ولی پس از تجاوز عراق به ایران در روند جنگ ابتدا این سلاح‌ها توسط عراق با هدف دفاعی و به صورت محدود در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ به کار گرفته شد ولی از سال ۱۳۶۲ تا پایان

جنگ تولید و استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی با هدف دفاعی تهاجمی به نحو چشمگیری افزایش یافت. چنانکه حملات شیمیایی عراق از ده مورد حمله در سال آغاز جنگ به چهل و پنج مورد در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت. بیشترین حملات در هنگام عملیات‌های کربلای پنج و هشت و در منطقه شرق بصره صورت گرفت ولی بیشترین مصدوم در عملیات والفجر ده با بمباران حلبچه و اساسا پس از سال ۱۳۶۶ بود. تعداد مصدومین از صفر در اواخر سال ۳۵۹ آغاز و به دوازده هزار نفر در سال ۱۳۶۶ افزایش یافت.

به کارگیری سلاح‌های شیمیایی به صورت تدریجی علاوه بر این که یک عنصر جدیدی را وارد معادلات نظامی کرد تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روند جنگ و نتایج عملیات‌ها داشت. برابر گزارش جمهوری اسلامی به کنفرانس خلع سلاح تعداد حملات شیمیایی عراق از دی ماه ۱۳۵۹ تا اسفند ماه ۱۳۶۶ جمعا دویست و چهل و دو مورد بود که قربانیان آن چهل و چهار هزار نفر ذکر شده است. همچنین برابر گزارشی که بغداد در پاسخ مانس بلیکس رییس بازرسان تسلیحاتی درباره شش هزار بمب شیمیایی مندرج در یک سند مدارکی را نشان داده است که در جنگ علیه ایران به کار برده است. عراق از اواخر دی ماه ۱۳۵۹ یعنی کمتر از چهار ماه پس از آغاز تجاوز مسلحانه به جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را علیه ایران آغاز و دو سال پس از آن، از زمستان ۱۳۶۱ به استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی روی آورد و تا پایان جنگ نیز به این کار ادامه داد.

در طول جنگ هشت ساله عملکرد ارتش عراق علیه ایران نشان می‌دهد که دولت عراق به‌عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل هرگز موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه را رعایت نکرد و از به کارگیری تمام ابزارها و روش‌های ممکن که در اختیار داشت دریغ نکرد، در این راستا با استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حمله به شهرها خسارات جبران‌ناپذیری به ایران وارد کرد که به اعتقاد سم‌شناسان اثرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت بیست تا سی سال در خاک باقی خواهند ماند و به کلی حیات جانداران را مختل می‌سازد. رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود شهرهای خرمشهر، مهران، سوسنگرد، هویزه، باستان، سومار، موسیان، قصرشیرین و روستاهای تابعه آن‌ها را با خاک یکسان کرد (پورهاشمی و فقیه حبیبی، ۱۳۹۰، ۷۰).

براساس آمار ارائه شده از گزارش‌های حملات شیمیایی دشمن، روند استفاده عراق از این سلاح ممنوعه رو به فزونی داشته است، به گونه‌ای که تعداد حملات عراق در قریب به ده حمله در سال نخست از آغاز جنگ تحمیلی بود، حال آن که حدود چهل و پنج حمله در سال ۱۳۶۷ خورشیدی صورت

گرفت. منابع تأمین‌کننده جنگ افزارهای شیمیایی عراق، به طور عمده، دو کشور انگلستان و آلمان غربی بودند (ستایش پور و عابدینی، ۱۳۹۴، ۱۴۴).

عراق در تأمین تسلیحات شیمیایی خویش در طول هشت سال جنگ با ایران تا حد زیادی به منابع خارجی متکی بود. به واقع دولت‌هایی مثل انگلستان، آلمان غربی، شوروی (سابق)، آمریکا، یوگسلاوی (سابق)، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا، چین، آفریقای جنوبی، شیلی و شماری از دیگر دولت‌ها یا رأساً به صدور مواد شیمیایی به عراق مبادرت ورزیدند یا نسبت به صدور آن توسط اتباع خویش به کشور عراق واکنش چندان مؤثری از خود نشان ندادند. تنها در سال آخر جنگ و به لحاظ وسعت استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی بود که مثلاً، دادستانی آلمان علیه چند شرکت آلمانی که متهم به ارسال و صدور مواد شیمیایی به عراق برای ساخت بمب‌های شیمیایی بودند، اعلام جرم کرد و آن‌ها را تحت تعقیب قرار داد. با این حال پرونده مذکور صرفاً براساس نقض مقررات گمرکی پیگیری شد و بدون سروصدا خاتمه پیدا کرد و نامی از شرکت‌های شاخص آلمانی که مواد، تجهیزات و فناوری لازم را برای رژیم عراق فراهم کرده بودند، برده نشد (زمانی، ۱۳۸۶، ۳۱۷).

هدف عراق از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی جلوگیری از پیشروی ناگهانی قوای نظامی ایران در مواضع و استحکامات عراق و مهار پیامدهای سیاسی استراتژیک آن بود. تأثیرات روحی روانی سلاح‌های شیمیایی و آثار کاربرد آن در ایجاد پراکندگی در نیروها و از میان بردن قدرت مقاومت یا پیشروی آن‌ها و اختلال در سازمان رزم مورد توجه عراقی‌ها بود. عراقی‌ها برای دستیابی به توان شیمیایی اقدامات زیر را انجام دادند: برقراری مناسبات تجاری با کشورهای غربی به منظور خرید فن‌آوری مواد و تجهیزات مربوط به جنگ افزار شیمیایی. عقد قرارداد خرید تجهیزات فنی گوناگون با شرکت‌های تولیدکننده وسایل شیمیایی در آلمان غربی. خرید ترکیبات شیمیایی مربوط به تولید عوامل اعصاب از کشورهای غربی به ویژه آلمان. تأسیس کارخانه‌های ساخت و تولید جنگ افزار شیمیایی به ویژه در شهر سامرا.

دولت‌ها و حتی بعضی از متحدان رژیم عراق اعلام کرده‌اند که عراق در جنگ با ایران از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی استفاده کرده است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: اعلامیه گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس. وزیر امور خارجه اتریش در کنفرانس خلع سلاح در وین. اظهارات دولتمردان عراقی به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی. دولت آمریکا در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد. در مورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق می‌توان به موارد ذیل استناد کرد: گزارش هیئت کارشناسی

سازمان ملل متحد. بیانیه دبیرکل سازمان ملل متحد بعد از گزارش هیئت نظامی در مورد محکوم ساختن کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران. بیانیه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد محکوم ساختن کاربرد سلاح‌های شیمیایی. بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد محکوم ساختن کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران (پورهاشمی و فقیه حبیبی، ۱۳۹۰، ۶۸).

در خصوص استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران و تحقق جنایت جنگی تردیدی وجود ندارد زیرا، دولت عراق آگاهانه از سلاح‌های شیمیایی چه در داخل خاک خود و چه در خاک ایران استفاده نمود. با بررسی حملات شیمیایی عراق می‌توان دریافت که تمامی ارکان مادی و معنوی مقرر در سند عناصر جرم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این حملات وجود دارد؛ یعنی فی الواقع دولت عراق این سلاح‌ها را هم با علم و آگاهی به این که یک مخاصمه بین‌المللی در جریان است و هم به کارگیری آن‌ها صدمات و تلفات گسترده انسانی در پی خواهد داشت، به کار برده است (عبدالمالکی و زمانی، ۱۳۹۷، ۱۶).

بنا به اظهارات «والتر پی آنگ»، مقام رسمی سازمان اطلاعات دفاعی آمریکا، استفاده عراق از گاز در جنگ با ایران، بحرانی راهبردی نیست که درخور باشد. وی از این حد، پا را فراتر گذاشت و بیان کرده است: عراق برای حیات خویش، ناچار به انجام چنین اقداماتی علیه اهداف نظامی خود است. افسر دیگری از سازمان اطلاعات دفاعی آمریکا، اظهار داشت که وضعیت عراق، رو به بهتر شدن است و پس از اندک زمانی، تسلیحات شیمیایی در پهنه‌ای وسیع‌تر به کار گرفته می‌شود. نیویورک تایمز در اوت ۲۰۰۲ نوشت «... افسران اذعان دارند که ایالات متحده آمریکا به عراق کمک کرد درحالی که عراق از گاز استفاده می‌کرد. طی مقاله‌ای در صفحه اول خود، به نقل از چندین تن از افسران بلندپایه آمریکایی چنین نوشت: با کمک آمریکا، عراق به استفاده کینه توزانه از گازهای شیمیایی مبادرت ورزید. دولت ریگان به صورت پنهانی، اطلاعات و نقشه‌های جنگی را در اختیار رژیم صدام قرار داد، با علم به این که نظامیان عراقی از این اطلاعات جهت حملات شیمیایی علیه سربازان ایرانی استفاده خواهند کرد (ستایش پور و عابدینی، ۱۳۹۴، ۱۵۴). اعتراف عراق به استفاده از تسلیحات شیمیایی، اظهارات دیگر دولت‌ها و گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل متحد درباره استفاده عراق از این تسلیحات همچنین عضویت این کشور در پروتکل ژنو ۱۹۲۵، تردیدی در قابلیت اعمال مسئولیت مستقل عراق در قبال به کارگیری این جنگ افزارها باقی نمی‌گذارد، چرا که هر دو عنصر انتساب و نقض تعهد در آن آشکار است (ستایش پور و عابدینی، ۱۳۹۴، ۱۵۸).

۲- پوشش شرکتی در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت عراق

بررسی اجمالی مواد پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل حاکی از آن است که رفتار یک شرکت خصوصی منحصر‌آزمانی قابل انتساب به دولت ذیربط است که: آن شرکت عناصری از اقتدارات دولتی را اعمال نماید حسب ماده ۵ پیش نویس یا رفتار آن به دستور یا تحت هدایت و کنترل دولت باشد حسب ماده ۸ پیش نویس. بنابراین با احراز هریک از دو مورد یاد شده، آن قاعده اولیه جدایی شخصیت شرکت از دولت تخصیص می‌خورد و دولت از بابت رفتارهای متخلفانه شرکت مسئول خواهد بود (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۲، ۱۱۹).

عراق در انجام این حملات تنها نبوده و به‌عنوان نمونه در گزارشات مختلف انسکام (گزارش آقایان رالف ایکویس، هانس بلیکس و اسکات ریتز) نام شرکت‌های خصوصی و فراملیتی اروپایی، آمریکایی، آفریقایی، آسیایی و استرالیایی و نام سی و شش کشور ارسال‌کننده مواد و تجهیزات مورد نیاز برای طراحی و راه اندازی کارخانجات تولید سلاح‌های شیمیایی از زبان مسئولان و مقامات عراقی براساس اسناد و مدارک متقن ذکر گردیده است. در همین راستا، خود دولت عراق هم در گزارش ارسالی خویش به سازمان ملل متحد در تاریخ دسامبر ۲۰۰۲، اعتراف می‌نماید که دست کم سی و یک شرکت غربی و حتی آسیایی در ارتقای توانایی عراق در ساخت سلاح شیمیایی مشارکت داشته‌اند (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۴).

توانمندی عراق در تولید گازهای شیمیایی با مشارکت و حمایت بسیاری از شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و سایر کشورها صورت گرفت. پس از تجاوز عراق به کویت و افزایش تنش میان آمریکا و عراق تحقیقاتی که انجام شد و گزارشی که به سازمان ملل متحد ارسال شد عراق از یکصد و پنجاه شرکت آلمانی، آمریکایی و انگلیسی تجهیزات نظامی دریافت می‌کرد که آلمان با بیست و هفت شرکت خصوصی و دولتی بیشترین سهم را در برنامه اتمی عراق داشت و آمریکا با بیست و چهار شرکت و انگلیس با یازده شرکت فعال مشارکت داشتند. روزنامه الکترونیکی القبس از قول کارشناسان و گزارش ارسالی از عراق آمار دیگری را ارائه کرده است. در مورد شرکت‌ها و کشورهایی که عراق را در ساخت سلاح شیمیایی کمک کردند رادیو آمریکا با اشاره به گزارش سازمان خبرهای دفاعی خاورمیانه در پاریس به رقم دویست شرکت در بیست و یک کشور جهان اشاره می‌کند و به نقل از رییس مرکز وزینتال در پاریس در مورد این گزارش می‌گوید: در گزارش از دویست و هفت شرکت نام برده می‌شود که

هشتادوشش شرکت آلمانی هستند. گزارش مورد بحث همچنین از هجده شرکت آمریکایی که دولت صدام از تجهیزات و فرآورده‌های آن‌ها برای مقاصد نظامی استفاده کرده است نام می‌برد.

کارشناسان آلمان غربی دوشادوش شیمیدان‌ها، مهندسان موشکی و دانشمندان هسته‌ای عراق کار کردند تا یکی از متنوع‌ترین زرادخانه‌های سلاح‌های غیرمتعارف را که در هیچ جای دنیا یافت نمی‌شد، در عراق به وجود آورند. «ام بی بی» یکی از این شرکت‌ها بود که هواپیمای جنگی تولید می‌کرد؛ این شرکت در سال‌های آخر دهه ۱۹۷۰ در زمینه ساختن بالگردهای جنگی و موشک‌های کوتاه برد تاکتیکی، شرکت پیشگامی بود. شرکت «ام بی بی» تصمیم گرفت به گروه‌های فروش بین‌المللی ملحق شود؛ از این رو با شرکت «آئروسپاسیال» فرانسه کنسرسیوم «اورومیس سایل» (موشک اروپایی) را به وجود آورد که هزاران موشک ضدتانک و ضدهوایما در سطح جهانی و عمدتاً عراق به فروش رساندند. شرکت «ام بی بی» چند فقره بالگرد را به طرق مختلف مخفی ساخت که نخستین فقره آن، شامل بیست فروند بالگرد B0۱۰۵ بود که در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ از مونیخ به بغداد ارسال شد؛ البته این محموله‌ها را ابتدا به سوئیس منتقل می‌کردند و در آن جا شرکتی به نام «سوئیس ترانس آر» سلاح‌های آتش سریع ساخت سوئیس و سایر سلاح‌های لازم را بر روی آن‌ها نصب می‌کرد، بعد از آن به اتریش فرستاده می‌شد و در آن جا شرکت «دنتسل» وسایل مخابراتی و کنترل آتش را بر روی آن‌ها به سوار می‌کرد. بعد از آن نیز «ام بی بی» تعداد دوازده فروند بالگرد سبک حمل و نقل ۱۱۷BK را به عراق فروخت که محصول این شرکت با کاواساکی ژاپن بود. علاوه بر این «ام بی بی» در زمینه صنایع موشکی نیز با بغداد همکاری داشت. به طور مثال یکی از سلاح‌های ساخته شده توسط این شرکت که از طریق مصر به عراق فروخته شد، موج انفجاری آن مشابه با انفجار یک بمب کوچک اتمی بود.

آلمانی‌ها در بغداد سخت به فعالیت افتاده بودند، خرید کالاهای آلمان غربی از طرف عراقی‌ها روز به روز بیشتر می‌شد به نحوی که بیش از یکصد شرکت آلمانی در بغداد فعال بودند. تعدادی از این شرکت‌ها مقر دائمی خود را بغداد قرار داده بودند به‌عنوان مثال شرکت «کارل کولب جیام بی‌اچ» شرکت شیمیایی متوسطی از گروه «دراپیج» یکی از این شرکت‌ها بود که نمایندگی آن در بغداد فعالیت می‌کرد. «هلموت مایر» مدیرعامل شرکت «کارل کولب» و «فرانتسل» سهام دار عمده این شرکت با یک مؤسسه عراقی تازه تأسیس به نام مؤسسه دولتی تولید آفت کش قراردادی بستند که مجتمع کامل و بزرگ تولید سلاح شیمیایی را در سامرا بنا کنند. البته «هلموت مایر» می‌دانست که تولید گاز خفه‌کننده موضوعی است که در

آلمان حساسیت برانگیز است؛ لذا می‌بایست با احتیاط کامل عمل می‌کرد. به همین جهت شرکتی به نام «پیلوت پلانت» در «دراپیچ» دایر کرد تا کار طرح سامرا را به آن واگذار کند. مؤسسه عمومی سعد در ۱۹۸۴ با «گیلد مایستر پروژکتا آو بایلفلد» شرکت سازنده ابزار ماشینی در آلمان غربی قراردادی را امضاء کرد که طرح، ساخت و راه اندازی یک مرکز تحقیق، توسعه و آموزش موشکی در نزدیکی شهر موصل عراق، مضمون و مفاد این قرارداد را تشکیل می‌داد. نام این طرح «سعد شانزده» بود. این طرح معادل دویست و سی و پنج میلیون دلار و بنا به برآوردی، کل برنامه موشکی عراق، حدود نهمصد و پنجاه میلیون دلار هزینه داشت.

شاید بلندپروازانه‌ترین طرح در میان همه پروژه‌ها مجتمع تازه تأسیس شیمیایی «فلوجه» بود که در شصت کیلومتری غرب بغداد بر سر راه «رمادی» و نزدیک پایگاه هوایی «جانبه» قرار داشت. در این پروژه کنسرسیومی از شرکت‌های آلمان غربی به رهبری «والتر توستی براسائو» یک شرکت مشاور به نام «اینفراپلان» مشارکت داشتند. همچنین «کلاکتر اینداستریز» شرکت پتروشیمی آلمان غربی واقع در «دورسبورگ» نیز در اوایل دهه ۱۹۸۰ مجتمع «عکاشات» را که نسخه دوم مجتمع فسفات «القائم» بود، احداث کرد؛ مجتمع‌هایی که جنگ افزارهای شیمیایی تولید می‌کردند.

چند سال پس از پایان جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران، یک مؤسسه مرتبط با مسائل نظامی خاورمیانه در پاریس با نام «وزینتال» طی گزارش مبسوطی اعلام کرد؛ که از دویست و هفت شرکت طرف قرارداد با رژیم صدام برای تسلیح شیمیایی ارتش بعثی عراق، هشتاد و شش شرکت آلمانی بودند. همچنین در اسفند ۱۳۶۵ در میانه‌های جنگ، یک نشریه آلمانی با نام «اشترن» گزارشی از تسلیحات شیمیایی عراق و کارخانه صنایع شیمیایی این کشور در شمال بغداد، منتشر کرد. کارخانه‌ای به وسعت بیست و پنج کیلومتر مربع که در آن دو ردیف سیم خاردار بلند نصب شده و به وسیله موشک‌های زمین به هوا محافظت می‌شد. رژیم صدام در کارخانه مزبور، «گاز خردل»، «تابون» و «سارین» جهت استفاده در جنگ علیه ایران، تولید می‌کرد. نکته قابل تأمل آن که مواد اولیه و تجهیزات این کارخانه با هزینه تقریبی یک میلیارد مارک از شرکت‌های آلمانی و مشخصاً شرکتی با نام «پیلوت پلانت» تهیه شده بود.

در آلمان برخی از اقدامات قضایی علیه یک شرکت آلمانی واسطه و در حال انحلال به اتهام کمک به رژیم بعث عراق در ایجاد تأسیسات صنعتی برای تولید مواد شیمیایی مورد استفاده در تسلیحات انجام گرفت، لیکن پرونده صرفاً براساس نقض مقررات گمرکی پیگیری شد و بدون سروصدا خاتمه پیدا کرد و

نامی از شرکت‌های شاخص آلمانی که مواد و تجهیزات و فناوری لازم را برای رژیم عراق فراهم کرده بودند برده نشد. در ایران هم تلاش‌هایی برای پیگیری قضایی موضوع انجام گرفت لیکن تحت تأثیر جو سیاسی و روابط بین‌المللی قرار گرفته و در نهایت بعد از سال‌ها هنوز پیشرفتی پیدا نکرده و حتی ابلاغ اوراق قضایی به شرکت‌های خواننده دعوی نیز تاکنون ممکن نشده است.

گاهی شرکت‌های نظامی یا امنیتی خصوصی با انعقاد قراردادهایی خاص با یک دولت، به جای آن دولت وارد عمل شده و در واقع به نمایندگی از چنین دولتی دست به اقداماتی می‌زنند. در این گونه موارد اعمال و اقدامات چنین شرکت‌هایی به مثابه اعمال و اقدامات دولت مزبور تلقی می‌شود و سرانجام هرگونه تخلف ارتكابی از سوی نیروهای چنین شرکتی، به منزله تخلف آن دولت بوده و مسئولیت نهایی با آن دولت است. البته بدیهی است شرط اصلی ایجاد چنین مسئولیتی انعقاد قرارداد موصوف است. ماده ۵ پیش نویس مسئولیت دولت در این مورد چنین مقرر می‌دارد: عمل یک فرد یا یک شخص حقوقی که براساس ماده ۴ ارگان دولتی محسوب نمی‌شود اما به موجب قرارداد خاص اختیار می‌یابد تا قدرت و اقتدارات دولت را اعمال کند، براساس حقوق بین‌الملل به مثابه عمل آن دولت است مشروط بر این که آن فرد یا آن شخص حقوقی در چهارچوب قرارداد و در همان مورد خاص عمل کرده باشد. البته منظور ماده ۵ اشخاصی است که مشمول ماده ۴ نباشند. اشخاص مدنظر ماده ۴ در واقع اشخاص دولتی هستند درحالی که ماده ۵ صرفاً به اشخاص حقوقی می‌پردازد که مستقل از دولت ولی پاسخگو به او باشند. مهم‌ترین خصوصیت این گونه اشخاص از نظر این ماده استقلال آن‌ها از دولت و در عین حال پاسخگوبودن آن‌ها در برابر دولت است و بنا بر همین استقلال است که دولت‌ها در کم و کیف ایجاد آن‌ها دخالت ندارند.

استخدام شرکت‌ها، افراد نظامی و امنیتی بخش خصوصی از سوی دولت‌ها و سپردن امور نظامی و امنیتی به آن‌ها، تأثیری در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نداشته و از مسئولیت آنان نمی‌کاهد و دولت‌ها نمی‌توانند چنین مسئولیتی را بر دوش شرکت‌های تحت استخدام بگذارند. لذا دولت‌ها باید سعی کنند چنین شرکت یا شخصی مادامی که در استخدام است، قواعد بین‌المللی را نقض نکند. بدین منظور راهکاری پیش‌بینی شده است مبنی بر این که دولت استخدام‌کننده، می‌تواند نیروی معتمد رسمی خود را مأمور نظارت بر امور شرکت خصوصی کند. دولت‌ها در این زمینه نیز می‌توانند مکانیسم مناسب و کارآمد داشته باشند و با استفاده از آن در پاسداری از حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر مفید باشند (هنجی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۵۵).

۳- مسئولیت بین‌المللی دول غربی و عراق در زمینه استفاده از سلاح‌های شیمیایی

مسئولیت مدنی دولت عبارت است از: «الزام دولت نسبت به طرف زیان دیده.» اما باید این نکته را در نظر داشت که دولت وجودی حقیقی نیست، بلکه دارای شخصیت حقوقی است متشکل از افرادی که با در اختیار داشتن اموال و امکانات فراوان و بهره‌مندی از اقتداری ویژه جهت نیل به اهدافی خاص تلاش می‌نمایند. اولین رکن از ارکان ایجاد مسئولیت دولت‌های حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی، رکن مادی می‌باشد. مقصود از رکن مادی، کمک و مساعدت دولت‌های حامی به کشور متجاوز است. همان‌طور که سایر نویسندگان بیان کرده‌اند هر نوع عملی که زمینه ارتکاب تخلف را تسهیل نماید کمک و مساعدت به حساب می‌آید. بدیهی است برخلاف مباشرت که مستلزم دخالت و ارتکاب مستقیم فعل متخلفانه است، در معاونت به شکل کمک با مساعدت، دولت متخلف صرفاً نقش حامی و پشتیبان را ایفا می‌نماید.

ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مصوب ۲۰۰۱ «آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی» را شرط ایجاد مسئولیت دولت حامی (کمک‌کننده) دانسته است. باید ادعان داشت رکن ذهنی و حدود و ثغور آن یکی از چالش برانگیزترین ارکان مسئولیت ناشی از مساعدت بوده و مناقشات نظری مختلفی را پدید آورده است. برخی از نویسندگان برجسته حقوق بین‌الملل قائل بر آن هستند که کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند چهارم شرح و تفسیر ماده ۱۶ بیان می‌دارد: «اگر دولت کمک با مساعدت‌کننده از شرایطی که قرار است کمک یا مساعدت آن دولت به کار گرفته شود آگاه نباشد، هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهد داشت، بنابراین رکن ذهنی ماده ۱۶ باید بدین نحو تفسیر شود که آن دولت کمک‌کننده نه تنها باید از دقیقاً از چگونگی وقوع تخلف آگاه باشد، بلکه کمک با مساعدت برای وقوع تخلف بین‌المللی را نیز مورد قصد خویش قرار داده باشد اما در مقابل برخی دیگر از نویسندگان بیان داشته‌اند، چنین تفسیری از ماده ۱۹ نه تنها باعث کاسته شدن از حوزه مسئولیت ناشی از کمک با مساعدت می‌گردد، بلکه نهاد مزبور را ناکارآمد و بی‌فایده خواهد کرد. از دیدگاه ایشان برای احراز مسئولیت دولت مساعدت‌کننده، همین بس که دولت مزبور از ارتکاب تخلفی بین‌المللی توسط دولت دیگر آگاه باشد.

در مقام اجرای شرط مقرر در ماده ۱۶ در ارتباط با مسئولیت دولت‌های حامی رژیم بعث عراق، حتی اگر قائل بر آن باشیم که آگاهی دقیق از کم و کیف یک عمل متخلفانه بین‌المللی، رکن ذهنی و شرط تحقق مسئولیت ناشی از مساعدت و همکاری است، می‌توان بیان نمود که وضعیت مزبور در خصوص بسیاری از کشورهای حامی رژیم بعث عراق، محقق شده است. در حقیقت، نگاهی واقع‌بینانه نسبت به

موضع‌گیری کشورهایی که بعد از آغاز جنگ و در طول آن نسبت به دولت عراق یاری رسانده‌اند، تاریخ انعقاد و اجرای قراردادهایی که بابت ارسال و تحویل سلاح به دولت عراق صورت گرفته است حاکی از آن است که اقدامات دولت‌های مزبور کاملاً آگاهانه، هدفمند و در جهت مساعدت و یاری رساندن به یک عمل متخلفانه بین‌المللی (تجاوز) بوده است، به تعبیر دیگر در بسیاری از موارد این امر مسلم است که کشورهای مزبور با این که می‌دانسته‌اند دولت عراق یکی از مهم‌ترین قواعد بین‌المللی را نقض کرده است، با این حال نسبت بدان همکاری و مساعدت داشته‌اند. آخرین رکن از ارکان ایجاد مسئولیت اشتقاقی ناشی از مساعدت و همکاری، رکن قانونی آن است. بدین معنا که کشور مساعدت‌کننده باید هم‌زمان نسبت به تعهدی که نقض می‌نماید، ملزم باشد. بند دوم ماده ۱۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل مصوب ۲۰۰۱ در همین خصوص بیان می‌دارد فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد (اخوان فر و دهقانی دهج، ۱۳۹۷، ۲۹).

در طول تاریخ تلاش‌های بسیاری برای جلوگیری استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی و بیولوژیک شده است. از جمله تلاش‌هایی که به تنظیم یک قرارداد بین‌المللی در سال ۱۹۰۷ که از نظر حقوقی تعهدآور بود، انجامید. ولی با شروع جنگ جهانی اول، کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه نتوانست از به وجود آمدن جنگ شیمیایی جلوگیری کند. تلفات مرتبط با سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول، بیش از یک میلیون نفر برآورد شده است در پی این جنگ بزرگ جهانی و تلفات گسترده آن، فعالان جامعه بین‌المللی به این صرافت افتادند که سازوکار حقوقی مناسبی برای برخورد با مسئله سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک ایجاد کنند. سند مهمی که در این خصوص تدوین و امضاء شد، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو راجع به منع استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده و سایر گازها در جنگ می‌باشد. در مقدمه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو اشاره شده که باکتریولوژیک خفه‌کننده و سمی و همچنین تمامی مایعات و مواد و تجهیزات مشابه، از سوی وجدان عمومی جهان متمدن محکوم شده و برخی از قدرت‌های بزرگ نیز در جنگ‌های میان خود، استفاده از این گازها و تجهیزات را ممنوع کرده‌اند و این ممنوعیت باید به نحو فراگیر در حقوق بین‌الملل پذیرفته شود. بر این اساس، دولت‌های متعاهد اعلام کرده‌اند که ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی را اگر به موجب معاهدات دیگر نپذیرفته‌اند، به موجب پروتکل ژنو می‌پذیرند و این ممنوعیت را به روش‌های جنگ باکتریولوژیک نیز قابل تسری می‌دانند.

البته باید توجه داشت که پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، صرفاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در زمان جنگ

ممنوع کرده و هیچ مقرره خاصی در ارتباط با ممنوعیت تحقیقات، توسعه، تولید، آزمایش و نگهداری این تسلیحات ندارد. همچنین پروتکل مزبور، فاقد هرگونه نظام بازرسی برای تضمین اجرای آن توسط دولت‌های عضو است. حتی دولت‌ها در قالب ائتلاف‌های راهبردی، خود را مجاز به تجارت این تسلیحات با متحدان خود می‌دانستند. پروتکل ژنو عملاً تنها تا زمانی مؤثر و کارآمد بود که طرفین مخاصمه، تصمیم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک نمی‌گرفتند و به محض کاربرد این سلاح‌ها توسط یکی از طرفین، طرف دیگر نیز خود را ملزم به ممنوعیت‌های آن نمی‌دانست (سبحانی، ۱۳۹۵، ۱۳۶).

شانزدهم دسامبر ۱۹۷۱، نشست عمومی سازمان ملل متحد طرح قراردادی را که کمیسیون خلع سلاح ژنو برای منع، توسعه، تولید و انباشت جنگ افزارهای میکروبی و سمی و نابودسازی آن‌ها تهیه شده بود، تصویب کرد. در یازدهم نوامبر ۱۹۸۷، سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در مورد جنگ افزارهای شیمیایی به تصویب رساند. کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی پس از دو دهه گفت‌وگوهای فشرده در سال ۱۹۹۳ در پاریس امضاء شد و از سال ۱۹۹۷ به اجرا درآمد. سازمان منع سلاح‌های شیمیایی وظیفه اجرای کنوانسیون را بر عهده دارد که مقر آن در لاهه هلند است.

اولین گزارش «متخصصان منصوب دبیرکل سازمان ملل متحد برای بررسی ادعاهای جمهوری اسلامی ایران در خصوص استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی» در مارس ۱۹۸۴ به‌عنوان سند شورای امنیت و تحت شماره ۱۶۴۳۳ انتشار یافت. گزارش مزبور استفاده از گاز خردل و گاز اعصاب (تابون) علیه مناطقی که در جمهوری اسلامی ایران مورد بازدید قرار گرفته بود را مورد تأیید قرار داد. پس از این گزارش نیز تقریباً هر سال تا پایان جنگ یک هیئت مستقل کارشناسی از سازمان ملل متحد از مناطق جنگی بازدید کرده و هر بار در گزارش‌های تنظیمی آن‌ها استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی مورد تأیید قرار گرفت. هیئت‌های مزبور ادعاهای عراق مبنی بر استفاده ایران از سلاح‌های شیمیایی علیه آن کشور را نیز همواره مورد بررسی قرار دادند. لیکن هر بار این ادعا را مورد تردید قرار داده و پس از بررسی ادله و مصاحبه با مجروحین و شهود آن را نپذیرفتند. علیرغم گزارش‌های کارشناسی روشن که با صراحت عراق را به‌عنوان استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی معرفی می‌کرد، شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت نفوذ سیاست حمایت بی‌چون و چرای غرب از عراق در برابر ایران، در نهایت از «طرفین» درخواست کرد که از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی خودداری کنند و نشان داد که حاضر نیست عراق را به صراحت به ارتکاب جنایات جنگی متهم کند (حسینی، ۱۳۹۵).

استناد به گزارش‌ها، با صدور قطعنامه ۶۱۲ (مورخ نهم مه ۱۹۸۸) و قطعنامه ۶۲۰ (مورخ بیست و ششم اوت ۱۹۸۸)، عمیقاً از یافته‌های هیئت‌های کارشناسی دائر بر استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی ابراز نگرانی کرده و این امر را به شدت محکوم کرده است. لازم به ذکر است که در این قطعنامه‌ها هیچ اشاره‌ای به فصل هفتم منشور وجود ندارد (طراز کوهی و مدرس سبزواری، ۱۳۹۵، ۱۳۶).

دولت عراق از ۱۹۳۱ به عضویت پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درآمد و البته این شرط را لحاظ کرده بود که در صورت استفاده اولیه از سلاح‌های شیمیایی توسط طرف متخاصم مقابل، خود را ملزم به پروتکل نخواهد دانست. با این حال شورای امنیت سازمان ملل متحد، مکرراً از طرفین جنگ ایران و عراق خواسته که بدون توجه به استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط طرف مقابل، از کاربرد این سلاح‌ها علیه یکدیگر خودداری کنند و از عواقب کاربرد این سلاح‌ها عمیقاً ابراز نگرانی کرده است. مجامع بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ در استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی سکوت اختیار کردند و تنها در مارس ۱۹۸۴ اولین واکنش را شورای امنیت سازمان ملل متحد از خود نشان داد ولی عراق به آن بی‌توجهی کرد. پس از عملیات خیبر که اسفند ۱۳۶۲ آغاز شد سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد عراق در جنگ از گاز سمی استفاده کرده است. در پی آن نیز آمریکایی‌ها در مارس ۱۹۸۴ به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را محکوم کردند. با توجه به این که برای قربانیان جنایات جنگی، حتی تحت عنوان حق بر عدالت به رسمیت شناخته شده است، امکان طرح مرور زمان‌های متنوعی در راه احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران وجود دارد. اولین راه، اقامه دعوی کیفری علیه عاملان این حملات، اعم از مباشران، شرکا و معاونین کاربرد سلاح‌های شیمیایی نزد دادگاه‌های ملی است. دومین راه، اقامه دعوی حقوقی علیه عاملان حملات شیمیایی، اعم از دولت عراق و اشخاص حقیقی، حقوقی، مباشران و معاونان در ارتکاب این جرایم نزد دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است.

کمک و مساعدت ایالات متحده آمریکا به عراق در خصوص به کارگیری تسلیحات شیمیایی طی جنگ تحمیلی علیه ایران، این بستر را فراهم می‌سازد که آمریکا مسئول دانسته شود تا از ایران به‌عنوان کشور قربانی نقض تعهد، جبران خسارت کند چرا که مسئول بودن عراق یا هر کشور دیگر در این راه، مانع از مسئول دانستن آمریکا جهت تجهیز عراق به تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک در جنگ هشت ساله نیست. با استناد به مسئولیت اشتقاقی می‌توان آمریکا را مسئول قلمداد کرد (ستایش پور و عابدینی، ۱۳۹۴، ۱۶۱).

هنگامی که یک جرم بین‌المللی ارتکاب می‌یابد، با وجود آن که در وهله اول، دعوای کیفری و تعقیب و مجازات عاملان جرایم به ذهن‌خطور می‌کند، اما مسلماً ارتکاب این جرم، تزام با ایراد ضرور و زیان به قربانیان است. در نتیجه، دعوای حقوقی جبران خسارت قربانیان نیز تزام با دعوای کیفری مطرح می‌شود. در عین حال، کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی یک دولت علیه دولت دیگر، مصداق نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در برابر یکدیگر نیز هست. در نتیجه، دعوای حقوقی جبران خسارت از سوی دولت زیان‌دیده نیز قابل طرح است. با توجه به گذشت مدت زمان مدید از حملات شیمیایی دولت عراق علیه ایران طی جنگ تحمیلی، امکان طرح دفاع مرور زمان از سوی دولت عراق و متهمان به این جنایت جنگی وجود دارد. با توجه به این که واقعه منجر به خسارت، یک تخلف بین‌المللی، آن هم از نوع جرایم بین‌المللی بوده است و در عین حال، این واقعه صرفاً حاصل کار یک دولت نبوده است و اشخاص حقیقی و حقوقی غیرعراقی به دولت عراق جهت دستیابی به سلاح‌های شیمیایی کمک کرده‌اند، می‌توان دعوای کیفری و حقوقی را در محاکم دولت‌های مختلف درگیر علیه اشخاص مختلفی مطرح کرد (سبحانی، ۱۳۹۵، ۱۴۹).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۷۹ (مورخ ششم مهر ۱۳۵۹) با اکتفاء به درخواست آتش بس، مزورانه در مقابل اشغال غیرقانونی سرزمین‌های ایران توسط عراق سکوت اختیار کرد. قطعنامه ۴۷۹ به سرعت مورد پذیرش عراق قرار گرفت و شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد قدردانی بود که ایران با رد قطعنامه مذکور، ابراز داشت که شورای امنیت سازمان ملل متحد باید اعمال این دولت تجاوزکارانه عراق را محکوم کرده، عقب‌نشینی فوری نیروهای عراقی را از سرزمین ایران درخواست کند و از آن کشور بخواهد که به ایران غرامت پردازد و مقامات عراقی را به دلیل ارتکاب جنایات محکوم نماید. شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از صدور قطعنامه ۴۷۹ برای مدت طولانی (حدود بیست و دو ماه) سکوت اختیار کرد تا این که نیروهای ایران به شکست حصر آبادان اقدام نموده و بخش‌های مهمی از سرزمین‌های اشغالی در جنوب را آزاد کردند همچنین آزادسازی قسمت‌هایی از مناطق اشغالی در غرب کشور و حوالی شهرهای شوش و دزفول و بالاخره آزادی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را به تحریک واداشت. به دنبال این امر شورای امنیت سازمان ملل متحد که به درخواست اردن و حمایت آمریکا تشکیل جلسه داده بود در بیست و یکم تیر ۱۳۶۱ طی قطعنامه ۵۱۴ ضمن درخواست آتش بس، خواستار عقب‌نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای شناخته شده بین‌المللی شد. با گسترش عملیات نظامی موفقیت‌آمیز ایران در جبهه‌های جنگ لحن قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به

تدریج تغییر یافت. شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۳۶۲ طی قطعنامه ۵۴۰ لزوم بررسی علل عینی جنگ را مورد تأیید قرار داد و حدود دو سال بعد در قطعنامه ۵۸۲ از اقدامات ابتدایی که منجر به بروز مخاصمه شده است، ابراز تأسف نمود. سرانجام در بیست و ششم تیر ۱۳۶۷ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، پس از هشت سال جنگ، آتش بس رسمی میان دو کشور برقرار گردید (زمانی، ۱۳۸۶، ۳۱۶).

ماده ۲۹ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو چنین مقرر می‌دارد: طرف یک مخاصمه که ممکن است مسئولیت افراد تحت حفاظت خاصی را بر عهده داشته باشد، در مقابل اقدامات عوامل اش دارای مسئولیت است، قطع نظر از این که چنین عواملی به خودی خود و به طور مستقیم در این خصوص مسئولیت داشته باشند یا نه. مطابق کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، منظور از عوامل عبارت از کارمندان یا مستمری بگیران دولت است. البته بایستی این ماده را در کنار متن «پیش نویس مواد مسئولیت دولت» که به اهتمام کمیسیون حقوق بین‌الملل» تدوین شده است نهاد و ارزیابی شایسته‌تری از آن به عمل آورد. هرچند «پیش نویس مواد مسئولیت دولت» به شکل کنوانسیون در نیامده است ولی می‌توان آن را به‌عنوان تمایلی به سمت تبدیل شدن به یک قاعده عرفی و لذا به تعبیر ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری گواهی از منبع حقوق بودن آن دانست.

براساس ماده ۴ سند پیش نویس مواد مسئولیت دولت، اقدامات تخلف‌آمیز همه ارکان و قسمت‌های مختلف یک دولت به منزله اقدامات مستقیم آن دولت تلقی شده و به مسئولیت بین‌المللی چنین دولتی منجر می‌شود. همچنین طبق همین ماده، اقدامات تخلف‌آمیز بخش خصوصی نیز به منزله اقدامات دولت تلقی می‌شود مشروط بر آن که براساس نظام حقوق داخلی دولت ذیربط، چنین بخشی تحت امر آن دولت عمل کرده باشد. پس برای ایجاد این گونه مسئولیت‌ها باید بین دولت در مظان اتهام و گروه متخلف، یک رابطه آمریت و مأموریت متقن و روشن وجود داشته باشد در غیر این صورت نمی‌توان به صرف وجود علقه‌ها و رابطه‌های مبهم دولتی را مسئول تخلفات گروه، شرکت و مؤسسه خصوصی دانست. دولت به دلیل انفعالش یعنی ترک افعال، مسئولیت پیدا می‌کند. دولت‌ها بایستی بر قلمرو خود تسلط داشته و مراقبت کنند تا به دلیل عدم اعمال امور حاکمیتی شان موازین حقوق بین‌الملل نقض نشود. منظور از این موازین، حقوق بی‌طرفی، حقوق دیپلماتیک، مقررات ناظر بر محیط زیست و حقوق مربوط به افراد خاص تحت حمایت حقوق بین‌الملل و بالاخره حقوق بشردوستانه و حقوق بشر است. این مراقبت دولت را «توجه ویژه» می‌نامند. به موجب این اصل دولت‌ها باید مراقبت کنند که در اثر انفعال و

بی‌توجهی آن‌ها اصول بی‌طرفی نقض نشود. وظیفه عام دولت‌ها نسبت به موضوع توجه ویژه جهت رعایت حقوق بشردوستانه ناشی از ماده یک مشترک کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو است. براساس این ماده دولت‌ها موظف هستند اولاً خودشان مفاد کنوانسیون را رعایت کنند و ثانیاً سایر دولت‌ها را به رعایت این حقوق تشویق کنند (هنجی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۴۱).

لزوم اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های ملی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی مدت‌ها است که مورد توجه جامعه جهانی بوده و در این راستا ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹، کشورها را ملزم به شناسایی و تعقیب کیفری افرادی می‌کند که با خود مرتکب جنایات جنگی شده و یا دستور ارتکاب آن را صادر کرده‌اند. این ماده با استفاده از اصل «یا مسترد کن یا محاکمه کن» تدوین شده است. به این مفهوم که چنانچه افراد مظنون به ارتکاب یکی از موارد نقض عمده کنوانسیون در حوزه صلاحیت دولت طرف کنوانسیون یافت شود، آن دولت فارغ از ارتباط فرد از لحاظ تابعیت و یا محل ارتکاب عمل با خود، ملزم است او را نزد محاکم خود محاکمه و مجازات کند و یا این که مرتکب را براساس قوانین داخلی خود به کشوری مسترد دارد که قصد محاکمه متهم را دارد. البته این اصل مانع از آن نیست که متهم به یک دیوان بین‌المللی تحویل داده شود.

عدم اجرای اصل «محاکمه یا استرداد» و اصل صلاحیت جهانی از مهم‌ترین عوامل بی‌کیفرمانی جنایتکاران جنگی هستند. بدین منظور، دولت‌ها موظفند قوانین و مقررات کیفری داخلی خود را با کنوانسیون سوم ژنو تطابق داده و قوانین لازم را در این خصوص تصویب کنند. در ضمن، صدور عفو عمومی پس از خاتمه مخاصمات، شامل جنایتکاران جنگی نشده و نباید بنا به هر دلیلی این دسته افراد مورد عفو قرار گیرند. جنایتکاران جنگی عراقی جنگ تحمیلی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بر این مبنا تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون سوم ژنو، در صورت یافت شدن این افراد در حوزه صلاحیت شان، ملزم به محاکمه آن‌ها و یا مسترد نمودن ایشان به ایران جهت محاکمه توسط کشور ایران خواهند بود.

موضوع مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل کیفری، وجوه مختلفی دارد. از یک سو تخلفات شناسایی شده در حقوق بین‌الملل کیفری، واجد جنبه کیفری و شخصی بوده و از سوی دیگر، مسئولیت کیفری برای دولت‌ها علیرغم کوشش‌های صورت گرفته توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد شناسایی واقع نشده است. پس از تصویب کنوانسیون منع نسل‌کشی در سال ۱۹۴۸ و شناسایی نسل‌کشی به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی مستقل، همچنین با تدوین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و تلقی نقض فاحش

مقررات این کنوانسیون‌ها به‌عنوان جنایات جنگی، نهاد جدیدی تحت عنوان مسئولیت کیفری دولت‌ها در کنار مسئولیت مدنی آن‌ها، مطرح گردید. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در پیش‌نویس خود راجع به طرح مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، در ماده ۱۹ تحت عنوان جنایات بین‌المللی و جرایم بین‌المللی دولت‌ها، اقدام به شناسایی جنایت بین‌المللی دولت‌ها کرده که البته در نهایت و پس از مواجهه با مقاومت شدید دولت‌ها ناچار گردید تا در طرح سال ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ماده مزبور را حذف نماید.

بنابراین، در موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها همچنان صرفاً جنبه مدنی مسئولیت مطرح بوده و جامعه بین‌المللی هنوز حاضر به پذیرش بعد کیفری برای مسئولیت دولت‌ها نشده است. از این رو در ارتباط با به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق نیز تنها می‌توان از مسئولیت مدنی دولت عراق و دولت‌های تسلیح‌کننده آن به مواد شیمیایی به سبب نقض تعهدات بین‌المللی سخن به میان آورد و از بعد کیفری تنها پیگرد مقامات عراقی مسئول و اشخاص خارجی حقیقی و حقوقی تجهیزکننده عراق به مواد شیمیایی امکان‌پذیر خواهد بود. ارکان دولت عراق از نیروهای مسلح گرفته تا مقامات اجرایی و قضایی این کشور مرتکب موارد نقض عمده و فاحش کنوانسیون سوم ژنو در به‌کارگیری سلاح شیمیایی شده‌اند، بنابراین نه تنها مسئولیت دولت عراق در مقابل دولت ایران بلکه در برابر جامعه جهانی در کلیت آن ایجاد شده است. موارد نقض عمده و فاحش کنوانسیون‌های ژنو علاوه بر مسئولیت معاهده‌های دوجانبه، موجب مسئولیت مشدد دولت نیز می‌شود، زیرا می‌توان این قواعد را عام‌الشمول محسوب نموده و آثار خاصی بر نقض آن‌ها مترتب دانست.

صرف‌نظر از تعهدات دولت عراق در چهارچوب کنوانسیون‌های ژنو، دولت عراق عضو پروتکل ۱۹۲۵ منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی بوده و به‌کارگیری این سلاح‌ها در جنگ تحمیلی نقض آشکار پروتکل مزبور و موجب مسئولیت بین‌المللی عراق در برابر ایران، به‌عنوان عضو دیگر پروتکل مزبور می‌باشد. پروتکلی که بنا به نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه رد دعوی «ون آترات»، مفاد آن به حقوق بین‌الملل عرفی نیز تبدیل شده است، بنابراین هیچ‌گونه تردیدی در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران، به سبب نقض قواعد مرتبط با ممنوعیت به‌کارگیری سلاح شیمیایی و خسارات ناشی از آن بر علیه اتباع کشور ایران نمی‌توان روا داشت.

کنوانسیون ۲۰۰۴ ملل متحد راجع به مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها نیز سه استثناء عمده بر مصونیت را مقرر می‌سازد که عبارتند از: انصراف از مصونیت (رضایت)، اموالی که به‌طور خاص مبنای

طرح یک دعوی هستند؛ و دارایی‌هایی که برای مقاصد تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند و در قلمرو دولت متبوع دادگاه واقع شده‌اند. حتی در رویه تقنینی و قضایی برخی کشورها به ویژه ایالات متحده آمریکا، در دعوی غرامت صدمات ناشی از عملیات تروریستی مورد حمایت دولت، مصونیت دولت به صورت کلی رد شده است. با وجود این، بررسی عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکترین ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در حقوق بین‌الملل عرفی، هنوز قاعده‌ای به وجود نیامده که براساس آن در صورتی که دولتی مرتکب نقض قواعد حقوق بشر شود، به طور کلی امکان استناد به مصونیت قضایی خود در برابر محاکم ملی سایر دولت‌ها را از دست بدهد. در حقیقت نه در کنوانسیون ملل متحد ۲۰۰۴ راجع به مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها و نه در قوانین داخلی، استثنای صریحی بر مصونیت دولت در قبال نقض قواعد حقوق بشری وجود ندارد. بر این اساس به نظر می‌رسد که طرح دعوی علیه عراق و یا هر یک از دولت‌های حامی تسلیحاتی وی به دلیل مصونیت قضایی این دولت‌ها، در محاکم داخلی ایران امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آن که بتوان به یکی از استثنائات قاعده مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل استناد نمود (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۱).

۴- پیگیری بین‌المللی دولت ایران در زمینه استفاده از سلاح شیمیایی توسط عراق

از مهم‌ترین اقداماتی که می‌بایست در قبال جنایات ارتكابی توسط عراق و متحدانش در جریان جنگ تحمیلی صورت گیرد، پیگیری قضایی موضوع و تلاش برای محکومیت کیفری مقامات عراقی مربوط و افراد کمک‌کننده به ایشان و همچنین تلاش برای طرح مسئولیت دولت وقت عراق و دولت‌های تجهیزکننده آن به مواد شیمیایی، به منظور دریافت غرامت و جبران بخشی از خسارات وارده به قربانیان ایرانی سلاح‌های شیمیایی می‌باشد (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۳). ایران از جمله کشورهایی است که بیشترین آسیب را از به کارگیری سلاح‌های نامتعارف در طول تاریخ دیده است. استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، در حالی اتفاق افتاد که این کشور جزو کشورهای امضاءکننده پروتکل ژنو در ۱۹۲۵ درباره منع استفاده از سلاح‌های سمی، خفه‌کننده و ترکیبات باکتریولوژیک قرار داشت. قربانی گرفتن سلاح‌های شیمیایی باعث شد جمهوری اسلامی ایران از بدو شروع گفت‌وگوهای مربوط به تدوین کنوانسیون در ژنو و همچنین در کمیسیون مقدماتی آن جزو فعال‌ترین کشورهای عضو باشد. ایران در ۱۹۹۷ با تصویب مجلس شورای اسلامی به کنوانسیون پیوست و از همان آغاز همواره عضو شورای اجرایی سازمان بوده و حضوری فعال و تاثیرگذار داشته است (حسینی، ۱۳۹۵).

اعتراضات مکرر ایران در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ و انتشار اخبار جنایات هولناکی که به طور روزانه توسط رژیم عراق صورت می‌گرفت، موجب شد تا افکار عمومی در کشورهای غربی برانگیخته شود. دولت ایران برای تبیین بهتر ابعاد جنایات عراق و استفاده از امکانات درمانی و بیمارستانی کشورهای غربی تعدادی از مجروحین را به اروپا اعزام نمود و برخی دولت‌ها هم مانند اتریش، سوئد، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، بلژیک و هلند، البته نه با مقاصد خیرخواهانه و صرفاً برای مداوا بلکه برای انجام تحقیقات دقیق‌تر و جمع‌آوری اطلاعات جامع و به روز درباره آثار سلاح‌های شیمیایی، پذیرای ایشان شدند. در تمام طول این دوره اعتراض‌های کتبی دولت جمهوری اسلامی ایران به این عمل دولت عراق که ناقض اصول مسلم حقوق مخاصمات مسلحانه و معاهدات بین‌المللی بود و بدون تردید، عنوان جنایت جنگی به آن اطلاق می‌گردد، به طور مستمر به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم می‌شدند و هر بار به‌عنوان اسناد شورای امنیت به ثبت می‌رسیدند و انتشار می‌یافتند. علیرغم ده‌ها اعتراض دولت جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی، نه تنها وقفه‌ای در ارتکاب جنایت مزبور توسط عراق ایجاد نگردید، بلکه بر تعداد حملات افزوده شد.

در زمستان ۱۳۸۳ دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی (مرکز امور حقوقی بین‌المللی فعلی) مطلع شد که فردی به نام «فرانس فان آنرات»، تبعه هلند در این کشور به اتهام مشارکت در تأمین مواد شیمیایی به منظور تولید تسلیحات شیمیایی برای رژیم عراق بازداشت شده است. بلافاصله با هماهنگی وزارت امور خارجه و تمامی دستگاه‌های ذیربط مقرر شد از این فرصت برای احقاق حقوق شهروندان ایرانی که بر اثر بمباران‌های شیمیایی مصدوم و مجروح شده بودند، استفاده شود و آمادگی دولت جمهوری اسلامی ایران برای همکاری در تحقیقات به دادستان جرائم جنگی هلند اعلام شد. دادستان هلند علیرغم برخی ملاحظات سیاسی مقامات آن کشور دعوت جمهوری اسلامی ایران را پذیرفت و با حضور در ایران از مناطق مرزی غرب و جنوب کشور بازدید نمود و اظهارات پنجاه و پنج نفر از مصدومین سردشت، اشنویه، آلوت، زرده، خرمشهر و آبادان را استماع کرد. دادستانی هلند همچنین تحقیقات گسترده‌ای را در ایالات متحده آمریکا و ژاپن انجام داد. زیرا پس از اعتراضات اولیه ایران و محدود شدن امکان صدور مواد شیمیایی از اروپا به عراق، این دو کشور به مبادی جدید صادرات «تاییدی گلایکول» که ماده مؤثر مورد نیاز عراق برای تولید گاز خردل بود تبدیل شده بودند. دادستانی هلند اظهارات تعدادی از افسران و افراد مؤثر عراقی را نیز که در تولید سلاح‌های شیمیایی نقش مهمی داشتند، در کشور اردن استماع کرد و اسناد

و مدارک بسیار مهم و قابل توجهی را از اقصی نقاط جهان جمع‌آوری کرد. از جمله مهم‌ترین این اسناد صورت جلسه سپتامبر ۱۹۸۷ است که با حضور شخص صدام حسین و افسران ارشد ارتش بعث عراق برای طراحی حملات شیمیایی به ایران تشکیل شده بود. به این ترتیب، دادستانی هلند در اقدامی شایسته تقدیر در ظرف یک سال و با صرف بیش از دو میلیون یورو هزینه پرونده‌ای جامع از فعالیت‌های عراق برای تولید سلاح‌های شیمیایی و اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با آن تنظیم کرد.

براساس مستندات جمع‌آوری شده مشخص شد که متهم پرونده «فرانس فان آنرات» ماده مزبور را ابتدا از ژاپن و از طریق بندر تریست در ایتالیا و سپس ترکیه به عراق حمل می‌نموده و در مرحله دوم پس از عدم امکان ادامه کار در ژاپن، ماده مزبور را از طریق شرکت آمریکایی «آلکوا» تأمین و آن را از طریق بندر آنتورپ بلژیک به بندر عقبه در اردن حمل می‌کرده و از آن پس مواد مزبور از راه زمینی به عراق حمل شده است. لذا نامبرده با دو اتهام روانه دادگاه شد، اول مشارکت در نسل‌کشی و دوم مشارکت در جنایات جنگی. دادگاه به بررسی اسناد و مدارک جامع و استماع نظرات کارشناسان فنی و از جمله سه تن از پزشکان برجسته ایرانی و متخصص در درمان مصدومین شیمیایی و نیز استماع مصدومین و شهود عراقی و ایرانی مبادرت به صدور رأی نمود. این رأی اولین سند قضایی مستند در تأیید ارتکاب جنایات جنگی توسط دولت عراق از طریق استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران، مظلومیت قربانیان، بی‌تفاوتی و چشم‌پوشی عمدی مراجع مسئول بین‌المللی در قبال این جنایات و انکار واقعیات و اسناد ارائه شده در طول این مدت از سوی آنان است و از این حیث علاوه بر اهمیت حقوقی به لحاظ سیاسی و تاریخی نیز واجد اهمیت بسیار می‌باشد.

محکومیت «فرانس فان آنرات» به پانزده سال زندان (حداکثر مجازات مقرر در قوانین هلند برای مشارکت در جنایات مزبور) قطعاً برای جبران آلام جبران‌ناپذیر قربانیان کافی نیست و تناسبی با رنج و دردی که در طول سال‌ها تحمل کرده‌اند ندارد، همچنانکه «فرانس فان آنرات» از رأی مزبور پژوهش‌خواهی نموده است لیکن به لحاظ گستردگی تحقیقات و ادله غیرقابل انکار جمع‌آوری شده، ولو این که در مورد میزان مشارکت و مسئولیت و یا مجازات شخص «فان آنرات» تجدیدنظر شود، به نظر نمی‌رسد اصل موضوع یعنی ارتکاب جنایات جنگی توسط عراق از طریق استفاده از سلاح‌های شیمیایی و همکاری بی‌دریغ پاره‌ای از کشورهای را در طول هشت سال جنگ علیه ایران مورد تردید قرار دهد.

احقاق حقوق قربانیان از طریق اقامه دعوی دولت ایران علیه دولت عراق، دولت ایران در پیگیری حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی می‌تواند به دو طریق وارد دعوی بین‌المللی علیه دولت عراق

شود. اول این که به جهت نقض معاهدات حاکم از جمله پروتکل ژنو ۱۹۲۵ و عرف بین‌المللی ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نزد مراجع بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، خود به طور مستقیم، دعوایی علیه دولت عراق اقامه کند. دوم این که خود قربانیان به طور مستقیم به محاکم داخلی دولت عراق مراجعه کنند و به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط دولت عراق، دعوایی بابت خسارات وارده به آن‌ها اقامه کنند. در صورتی که در آن جا نتوانستند به حقوق خود برسند از دولت ایران بخواهند که از آن‌ها در برابر دولت عراق، حمایت دیپلماتیک کند. در واقع، دولت‌ها در اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی علیه دولت متخلف، از دو راه می‌توانند اقدام کنند: اول، اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی مستقیم علیه دولت متخلف در قبال نقض تعهداتی که دولت متخلف در قبال دولت زیان دیده داشته است دوم، اقامه دعوی حمایت دیپلماتیک از اتباع خود در قبال نقض حقوق اتباع شان توسط کشور متخلف. در رابطه با نقض معاهدات حقوق بشردوستانه به نظر می‌رسد که در وهله اول با توجه به وجود چنین معاهده بین‌الدولی، راه برای اقامه دعوی مسئولیت توسط دولت ایران علیه دولت عراق فراهم باشد. با توجه به این که در حال حاضر دولت پیشین عراق که متهم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه دولت و اتباع ایران بود، ساقط شده است و دولت جدیدی در این کشور بر سر کار آمده است و با توجه به روابط حسنه‌ای که اکنون بین دو کشور برقرار است، هنوز راه برای اقامه دعوی جبران خسارت بسته نشده است. به هر حال در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اصل بر جانشینی است و دولت جدید، مسئول تخلفات دولت پیشین است (سبحانی، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

از طرفی به موجب مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نه تنها امکان تعقیب مقامات عراقی به کارگیرنده سلاح شیمیایی وجود دارد، بلکه عاملان خارجی تسلیح عراق به این نوع سلاح نیز قابل تعقیب خواهند بود. در واقع صلاحیت مقرر برای دادگاه‌های ایرانی در مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به خوبی در اکثر موارد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق در جریان جنگ تحمیلی امکان اعمال دارد. چرا که در اکثر موارد، مقامات عراقی مبادرت به استفاده از سلاح شیمیایی در خاک ایران نموده و بر این مبنا محل وقوع جرم در خاک ایران بوده است. گذشته از این به نظر می‌رسد که در موارد به کارگیری سلاح شیمیایی در خاک عراق نیز امکان اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایرانی همچنان محفوظ است. چرا که بر طبق ماده ۸ قانون مزبور در صورتی که جرم در خارج کشور و بر علیه اتباع ایران صورت گرفته و بدون محاکمه و مجازات مانده باشد، باز هم امکان اعمال صلاحیت توسط

دادگاه‌های ایران محفوظ خواهد بود.

متعاقب حملات متعدد و گسترده شیمیایی عراق علیه ایران به ویژه از ۱۹۸۰، سرانجام در پاسخ به درخواست ایران، دبیرکل سازمان ملل متحد، به ابتکار خود و پس از مشورت با اعضای شورای امنیت، طرح هشت ماده‌ای را تهیه و در بازدید جمعی از کارشناسان منتخب، در آوریل ۱۹۸۵ از تهران و بغداد، از طرفین خواست تا ضمن رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله منع استفاده از تسلیحات شیمیایی، رعایت اصول رفتار یا اسرای جنگی و احترام به آزادی دریانوری و پرواز، اقدامات خود را در زمینه پایبندی به اصول و قواعد ذریبط به سازمان گزارش دهند. براساس بند چهارم این طرح، هر دو دولت ایران و عراق موظف شدند پیش از هجدهم ماه آوریل سال ۱۹۸۵ از مجاری محرمانه، تعهد خود را با رعایت ضوابط مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی به دبیرکل اعلام کنند (زمانی، ۱۳۷۷). هرچند این درخواست با موافقت ایران مواجه شد و آمادگی فوری این کشور برای همکاری بلافاصله اعلام شد، عراق از پذیرش این پیشنهاد امتناع کرد (زمانی، ۱۳۹۵، ۱۶).

طبق قانون دیوان عالی کیفری عراق مصوب ۲۰۰۵، جرایم مقرر به موجب ماده ۴ این قانون، از جمله جنایات جنگی، نباید مشمول مرور زمان شود. در نتیجه نباید قربانیان از این زاویه نگران رد دعوی شان باشند. حال اگر به هر دلیلی در نظام حقوقی دولت عراق، دعوی قربانیان رد شد، دولت ایران می‌تواند در راستای حمایت دیپلماتیک از اتباع خود وارد عمل شود. اقامه دعوی جبران خسارت علیه خود دولت عراق یا مقام‌های عراقی مسئول، این مزیت را دارد که در واقع، دعوا علیه خود مباشر جرم اقامه شده است. به طور مسلم، میزان غرامتی که مباشر در صورت احراز مسئولیت به آن محکوم خواهد شد، در مقایسه با میزان غرامتی که علیه معاونین مورد حکم قرار خواهد گرفت، بسیار بیشتر خواهد بود.

راه دیگری که برای جبران خسارت قربانیان وجود دارد، اقامه دعوا در دادگاه‌های داخلی ایران است. البته در صورتی که دعوا علیه دولت عراق در محاکم داخلی ایران یا کشورهای ثالث اقامه شود، امکان استناد به دفاع مصونیت وجود دارد. در حال حاضر، حقوق بین‌الملل به حدی از توسعه دست نیافته است که دولت متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی را مستثناء از مصونیت بداند اما قلمرو مصونیت اشخاص حقیقی حقوق عمومی یعنی مأموران دولتی، متفاوت از مصونیت دولت به‌عنوان یک شخص حقوقی حقوق عمومی است. در صورتی که مأموران دولتی، متهم به ارتکاب جرائم بین‌المللی شوند، تحت شرایطی امکان استناد به مصونیت را از دست خواهند داد و در نتیجه امکان اقامه دعوا علیه آن‌ها در محاکم داخلی

کشورهایی غیر از کشور متبوع شان وجود خواهد داشت. در این صورت، دفاع مرور زمان از طرف متهمان و خواندگان در محاکم داخلی ایران قابل استناد نیست چون در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ در حال حاضر مرور زمان حقوقی پیش‌بینی نشده است. ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم به تمایز مرور زمان کیفری از مرور زمان حقوقی تصریح کرده است. راه دیگری که برای قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی وجود دارد، اقامه دعوا علیه عاملان کاربرد مستقیم سلاح‌های شیمیایی دوران جنگ عراق با ایران یا علیه اشخاصی است که در راه تهیه و استفاده از سلاح‌های شیمیایی به دولت پیشین عراق کمک رسانند.

اگر دولت خواهان با وجود آن که امکان اقامه دعوا علیه دولت خوانده را داشته، از فرصت‌ها استفاده نکند و پیگیری مستمری در رابطه با حقوق از دست رفته اش نداشته باشد و در راه اقامه دعوا، تأخیر غیرموجه کند، همه این قراین، حاکی از انصراف وی از پیگیری دعوا است. یکی از مبانی مرور زمان حقوقی، اماره اعراض از حق است. البته به موجب این اماره، در صورتی که صاحب حق با فراهم‌بودن امکانات جهت احقاق حقوق خود برنیاید، بعد از گذشت مهلتی حق اقامه دعوی وی ساقط می‌شود. با توجه به این که در حقوق بین‌الملل، دادگاه‌های دارای صلاحیت اجباری برای رسیدگی به دعاوی بین‌الدولی وجود ندارند، دولت ایران می‌تواند جهت رد دفاع دولت عراق اعلام کند که مهلت احتساب دوره مرور زمان از زمانی است که امکان اقامه دعوا علیه دولت متخلف وجود داشته است. در حال حاضر، هیچ‌یک از دولت‌های ایران و عراق صلاحیت اجباری دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری را جهت حل اختلافات بین‌المللی نپذیرفته‌اند. در نتیجه، امکان اقامه دعوا علیه دولت عراق در دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری وجود ندارد؛ درحالی که مهلت احتساب مرور زمان از زمانی است که امکان اقامه دعوا نزد یک مرجع بین‌المللی وجود داشته و با وجود چنین امکانی دولت خواهان، اقدامی جهت احقاق حق خود در این مرجع انجام نداده باشد. این که دولت ایران با رویکارآمدن دولت جدید عراق تاکنون هیچ اقدام یا اعتراضی جهت احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق صورت نداده است، می‌تواند به معنای رضایت ضمنی این دولت و انصراف از حق اقامه دعوا باشد (سبحانی، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

شواهد موجود حاکی از آن است که متأسفانه نه در دادگاه‌های عراق و نه در دادگاه‌های دول متبوع افراد و شرکت‌های تسلیح‌کننده عراق به سلاح شیمیایی، تاکنون توجه چندانی به مسئله استفاده از سلاح شیمیایی در جریان جنگ تحمیلی عراق و جنایت جنگی ارتكایی نشده و تنها در پرونده علی حسن المجید در دادگاه عالی جنایی عراق و پرونده فرانس ون آنرات در دادگاه هلند این موضوع مورد توجه

قرار گرفته است. در نتیجه همچنان شاهد وجود پرونده‌های باز نشده بسیاری در ارتباط با مقامات عراقی و اشخاص و شرکت‌های تسلیح‌کننده ارتش بعث عراق به سلاح شیمیایی هستیم که امکان دادخواهی آن‌ها توسط قربانیان ایرانی به موجب ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فراهم است (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۷).

نتیجه

استفاده از تسلیحات شیمیایی در جریان محاصره، چه علیه اهداف نظامی و چه علیه مواضع شهری فاقد استحکامات دفاعی، قطعاً برخلاف تعهدات بین‌المللی رژیم بعث به موجب حقوق عرفی و معاهدات حاکم بر محاصرات مسلحانه بوده است. این پژوهش بر این باور است که علاوه بر مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث، باید بر مسئولیت کیفری فردی عاملان و آمران این جنایات به موجب حقوق بین‌الملل پافشاری کرد. حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۰، ضمن تفکیک میان جرم و جنایت بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت را در رابطه با هر دو نوع از تخلف از جمله مسئولیت کیفری دولت‌ها شناسایی کرده بود. با این حال، با توجه به دغدغه‌های جدی دولت‌ها در حفاظت از حصار محکم حاکمیت شان، با مخالفت جدی دولت‌ها رو به رو شد و کمیسیون حقوق بین‌الملل را بر آن داشت تا در ۲۰۰۱ با حذف ماده ۱۹ طرح سابق و جایگزین کردن عبارت نقض جدی تعهدات بین‌المللی ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل، تنها مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از بین‌المللی را براساس ماده ۴۰ طرح اخیر شناسایی کنند.

همچنین مسئله مهمی که در این باره وجود دارد این است که چه کسی باید پاسخگوی تخلفات شرکت‌ها باشند. از طرفی استفاده روزافزون از این شرکت‌ها، احتمال وقوع جرائم و تخلفات بین‌المللی را بسیار افزایش داده است. امری که ضرورت احراز و تعیین متولیت ناشی از موارد نقض قواعد حقوق بین‌الملل را مطرح می‌سازد. این پژوهش تلاشی در جهت تبیین مسئولیت دولت‌ها در نتیجه اقدامات و اعمال مخلفانه شرکت‌های موصوف است. این یک امر عمومی و بدیهی است که هرگاه دولتی مقیم مرتکب تخلفی شود باید در قبال اقدامات تخلف‌آمیز خود پاسخگو باشد و در این خصوص جای هیچ گونه ابهامی نیست. اما ابهامی که وجود دارد درباره مسولیت دولت‌ها در قبال اعمالی است که شرکت‌ها ممکن است برای آن‌ها ایجاد کنند. تلاشی که این پژوهش در جهت تبیین این ابهام کرده، این است که چون دولت‌های مرتبط با شرکت‌ها ملزم به رعایت تعهدات بین‌المللی هستند و در این خصوص تعهدات مختلف دارند که در صورت نقض آن‌ها از سوی شرکت‌ها، دولت‌ها مسئولیت خواهند داشت.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- اخوان فرد، مسعود و دهقانی دهج، ایمان، ۱۳۹۷، مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی دولت‌های حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، شماره ۱۳.
- پورهایمی، سیدعباس و فقیه حبیبی، علی، ۱۳۹۰، بررسی امکان مطالبه خسارت زیست محیطی جنگ ایران و عراق از دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۹.
- حبیب زاده، توکل؛ اقبالی، کیوان؛ سمیعی منش، نجمه، ۱۳۹۷، راهکار دادخواهی قربانیان سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۰۴.
- زمانی، سیدقاسم، ۱۳۷۷، **حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- زمانی، سیدقاسم و میرزاده، منالسادات، ۱۳۹۲، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر رویه قضایی و داوری بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۴۰.
- زمانی، سیدقاسم، ۱۳۹۵، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۵۱.
- سبحانی، مهین، ۱۳۹۵، مرور زمان دعاوی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق با ایران، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۵۱.
- ستایش پور، محمد و عابدینی، عبدالله، ۱۳۹۴، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۵۰.
- شریفی طراز کوهی، حسین و مدرس سبزواری، ساسان، ۱۳۹۵، کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۵۲.
- عبدالمالکی، مهدی و زمانی، سیدقاسم، ۱۳۹۷، تأملی بر جرم‌انگاری استفاده از سلاح‌های شیمیایی و صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به این جنایت با نگاهی به جنگ عراق و ایران، **دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۱۱.
- قربان‌نیا، ناصر، ۱۳۹۰، **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هنجی، سیدعلی؛ نیاورانی، صابر؛ رضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ رستمی امانی، فردین، ۱۳۹۷، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۹۴.

- Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - *Roshan Ali Shekari, Sayyed Mostafa Milani*
- Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - *Adel Sarikhani, Mostafa Karami Pour*
- Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - *Ebrahim Musazadeh, Mohammad Salehi*
- Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - *Mohammad Ali Hajidehabadi, Ruhollah Shamshiri*
- Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - *Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Arefeh Kordi Nasab, Nafiseh Tosi, Ayda GHasem Zadeh*
- The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - *Mahnaz Khorsandi, Asgar Jalalian*
- Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - *Mohammad Setayesh Pur, Maryam Faraji Tark*
- The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - *Hasan Najjarha*
- Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - *Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani*
- Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - *Pouria Ebrahimzadeh, Somayeh Rahmanian*
- Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - *Maryam SHA'ban*
- Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - *Amir Mohammadi, Mohammadmahdi Heydari, Soheyla Moradi GHaleh*
- The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - *Mostafa Fazaeli, Arash Maleki*
- Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - *Saeed Asadzadeh, Fatemeh Ahadi, Mojtaba Kanjori*
- The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - *Mohammad Setayesh Pur, Parnian Shafae*
- Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - *Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Asad Akhzari Fard, Ali Mardan Ahmadi*
- The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - *Mina Momeni, Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi*
- Immigrant Children's Rights in National and International Documents - *Reza Khaje Nooredini, Sayede Parisa Mirabi*
- The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - *Mostafa Karami Pour, Mona Rajabzade Baghi*
- Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - *Maryam Kamaei*
- The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - *Zahra Vahabi, Arash Razmi*
- The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - *Mohammad Setayesh Pur, Fatemeh Zahra Aslan*
- Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - *Somayeh Zilabi, Sadeh Fetili, Ebrahim Moghaddam*
- Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - *Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Nafiseh Dharovieh, Mohammad Rasol Ansari Nia, Neda Haghghi*
- Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - *Ali Mohammadi Jurkoye, Ahmadreza Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi*
- The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - *Mohammad Sadeq Darivand*
- Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - *Sadeh Fetili, Mohammad Fetili, Ebrahim Moghaddam*